

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن سالروز نبرد حماسی سیاهکل - گرامی باد نبرد حماسی سیاهکل یگانه پاسخ اصولی به نیازهای جنبش کمونیستی در شرایط مشخص



بیش از نیم قرن از نبرد حماسی رفقای ما در سیاهکل گذشت. سیاهکل اما همچنان بر تارک جنبش کمونیستی ایران می‌درخشد و کسی را یارای نفی و انکار تأثیرات و شراره‌های شورانگیز آگاهی‌دهنده و گرمابخش آن نیست. ۵۱ سال پیش، گروهی از آگاه‌ترین، پیشروترین و جسورترین کمونیست‌ها، در ۱۹ بهمن ۴۹ با حمله مسلحانه به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل و خلع سلاح آن، پرچم سرخ مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را به اهتزاز درآوردند. خورشیدی در آسمان سرد و سیاه و ظلمانی درخشیدن آغاز کرد، گرمابخش دل عاشقان شد و پرتو آن تا دوردست‌ها را روشن کرد. غرّش تفنگ‌ها در نبردی آشتی‌ناپذیر علیه رژیم شاه و ستم و استثمار در جنگل‌های سیاهکل چنان پرطنین بود که در تمام پهنه کشور انعکاس یافت و شنیده شد. جنبش مسلحانه که بر زمینه شرایط عینی و اوضاع سیاسی جامعه در دهه چهل و تحلیل و ارزیابی دقیق از این شرایط شکل گرفت، یگانه پاسخ درست و اصولی به نیازهای جنبش کمونیستی و کارگری در آن دوره بود و دوران جدیدی را در جنبش کمونیستی ایران رقم زد.

دهه چهل یکی از سیاه‌ترین دوره‌های سلطه رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی و اختناق بود. خفقان و سرکوبی که پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ بر جامعه حاکم شده بود، در ادامه خود با ایجاد ساواک شاه و فعالیت گسترده آن بازهم شدیدتر شد. نوعی رعب و وحشت بر جامعه حکم‌فرما بود. هرگونه فعالیت سیاسی انقلابی به شدت سرکوب می‌شد. مراکز کارگری به شدت مراقبت می‌شد و تحت کنترل شدید پلیسی قرار داشت. جامعه در رکود سیاسی کامل به سر می‌برد. اندک گروه‌ها و محافل سیاسی که تحلیل درستی از وضعیت جامعه نداشتند، در نخستین تحرکات خویش شناسایی و منهدم می‌شدند. تحلیل‌ها و ارزیابی غلط از شرایط و ساخت و اوضاع جامعه، برخی از این گروه‌ها و محافل را به مدافعان دوآتشه رفورم ارضی شاهانه و خدمت‌گزار دیکتاتوری و استبداد سلطنتی مبدل ساخت. نوعی یأس و ناامیدی و سرخوردگی بر فضای روشنفکری حاکم بود. برخی از این محافل، بی‌عملی خویش و وضع موجود را "تئوریزه" یا درواقع توجیه می‌کردند.

افزون براین، جنبش کمونیستی- کارگری هنوز در زیر آوار شکست و بن‌بست بعد از کودتای ۲۸ مرداد قرار داشت. تسلیم طلبی حزب توده و خیانت رهبران آن نتایج مخربی به بار آورده بود. سیاست‌ها و عملکرد این حزب اپورتونیست خیانت‌پیشه که به ناروا به چپ و سوسیالیسم نسبت داده می‌شد، لطمات جدی به اعتبار چپ وارد ساخت. اعتماد کارگران نسبت به چپ و سوسیالیسم را خدشه‌دار و گرایش به کمونیسم را به شدت تضعیف کرده بود. فعالیت کمونیستی و کارگری در میان کارگران نه فقط از این بابت که خفقان و دیکتاتوری بی‌مانندی وجود داشت و محیط‌های کارگری تحت کنترل شدید پلیسی بود کار ساده‌ای نبود، بلکه سابقه‌ای که از عملکرد حزب توده در ذهنیت کارگران نقش بسته و بی‌اعتمادی که نسبت به چپ و کمونیسم به وجود آمده بود نیز کار را مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌ساخت. برخی افراد و محافل انقلابی نیز در تلاش و جستجوی راه و دنبال این بودند که فعالیت مؤثری انجام دهند. اما در اینجا نیز اختلاف و تشتت نظری حاکم بود و راه به‌جایی نمی‌بردند. بن‌بست بود و کسی نمی‌دانست چه باید کرد؟

از بطن چنین شرایطی بود که سیاهکل سر برآورد تا به چه باید کرد و نیازهای زمانه خودپاسخ دهد. پرسش مهمی که در آن سال‌ها در برابر کمونیست‌ها و محافل مارکسیستی قرار داشت این بود که چگونه باید در میان کارگران فعالیت و به امر تشکل آنان کمک کرد؟ آگاهی سیاسی کارگران را چگونه می‌توان ارتقا داد؟ چگونه باید توده‌های کارگر را به عرصه مبارزه سیاسی کشاند؟ چگونه باید حزب طبقه کارگر را ایجاد کرد؟ مشغله اساسی رفقای بنیان‌گذار سازمان ما پیش از سیاهکل، کار و فعالیت در میان کارگران، ارتقاء آگاهی سیاسی کارگران، متشکل ساختن کارگران و ایجاد حزب طبقه کارگر بود. رفقای

گروه احمدزاده- پویان که مطالعات عمیقی را در زمینه مسائل نظری و انقلاب‌های جهانی از سر گذرانده و همزمان جامعه را از نزدیک مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند قبل از سیاهکل برای تحقق این اهداف پا به میدان عمل گذاشتند. زمانی که رفیق احمدزاده و گروه وی به چه باید کرد می‌اندیشید و دنبال راه بود نوشت " ما پذیرفتیم که هدف ما و سایر گروه‌های کمونیست باید ایجاد حزب مارکسیست لنینیست باشد". پرسش اما این بود که برای ایجاد چنین حزبی از کجا باید آغاز کرد؟ آنگاه دو وظیفه در برابر گروه قرار گرفت، تربیت کادرهای آینده حزب و کار در میان کارگران برای فراهم‌سازی زمینه‌های ایجاد حزب. "ما باید با کار در میان توده‌ها و به‌ویژه پرولتاریا، آنها را آماده پذیرش چنین حزبی کنیم."

رفیق پویان نیز در جزوه کوتاه اما کم‌نظیر خود بارها بر ضرورت پیوند با کارگران و ایجاد حزب طبقه کارگر تأکید نموده و در این مورد می‌نویسد " تا با توده‌های خویش بی‌ارتباطیم کشف و سرکوب ما آسان است برای اینکه پایدار بمانیم رشد کنیم و سازمان سیاسی طبقه کارگر را به وجود آوریم باید طلسم ضعف خود را بشکنیم و با توده‌ها رابطه مستقیم و استوار ایجاد کنیم." رفیق پویان در آن جزوه کوتاه اما بسیار پرارزش خود بارها از ضرورت سازمان واحد پرولتاریا، سازمان اخص پرولتاریا و حزب طبقه کارگر سخن می‌گوید که برای ایجاد و یا تشکیل آن باید تلاش و مبارزه کرد. در همین رابطه است که رفقا فعالیت‌هایی را در محیط‌های کارگری سازمان می‌دهند. شماری از رفقای اولیه از جمله رفیق اسکندر صادقی نژاد کارگر تراشکار و جلیل انفرادی کارگر جوشکار که هر دو جزء مؤسسين سندیکا کارگران فلزکار مکانیک بودند در میان کارگران حضور فعال داشتند. رفیق حسن نوروزی کارگر لوله‌کشی و تأسیسات راه‌آهن و عضو هسته رفیق احمدزاده بود. این رفقا و رفقای دیگری نظیر آنها برای ارتباط با کارگران و ایجاد زمینه‌های تشکیل حزب طبقه کارگر فعالیت می‌کردند. از نزدیک با شرایط و محیط‌های کارگری ارتباط داشتند و از موانع موجود از جمله ترس و خفقان حاکم بر محیط‌های کارگری، ذهنیت منفی و بی‌اعتمادی کارگران جمع‌بندی داشتند. از شرایط مشخص تحلیل مشخص داشتند. بر پایه همین شناخت از شرایط مشخص و تحلیل از شرایط مشخص، قبل از هر چیز می‌بایستی این معادله را برهم زد و جو رعب و هراس و بن‌بست موجود را درهم شکست. هر گام عملی واقعی در این زمینه مستلزم اتخاذ روش‌ها و اقداماتی بود که راه، برای مسیر بگشاید. ذهنیت منفی و بی‌اعتمادی کارگران باید تغییر می‌کرد. اعتبار از دست‌رفته کمونیست‌ها باید بازسازی می‌شد. فعالیت مؤثر در میان کارگران منوط به تغییر این فاکتورها بود. بن‌بست باید درهم می‌شکست.

سیاهکل این بن‌بست و به همراه آن رکود و رخوت سیاسی حاکم بر جامعه تحت دیکتاتوری شاهنشاهی را درهم شکست. سیاهکل راه را به سایر کمونیست‌ها و انقلابیون نشان داد و محافل سرگشته در دالان بی‌انتهای پاسیفیسم و بی‌عملی را به کلی ایزوله کرد. سیاهکل جزیره ثبات و آرامش رژیم شاه را برهم زد و در فضای رعب و وحشتی که دستگاه مخوف امنیتی ساواک بر جامعه گسترانده بود ترک انداخت. سیاهکل نه فقط تأثیرات شگرف و شوق‌انگیزی بر انقلابیون پرشوری که شوق مبارزه در سر داشتند و در جستجوی راه بودند گذاشت، بلکه کل جامعه را تحت تأثیر قرارداد. این تأثیرات چنان عمیق و پردامنه بود که از حصار دانشگاه‌ها به‌سادگی عبور کرد و تا قلب کارخانه‌ها و اندیشه شاعران و نویسندگان و هنرمندان امتداد یافت. سیاهکل و سازمان ما که در سیاهکل نطفه بست و به‌عنوان یک سازمان کمونیست مارکسیست- لنینیست اعلام موجودیت کرد، نقش مؤثری در غلبه بر تشنت نظری و پراکندگی حاکم بر محافل انقلابی برجای گذاشت. به‌زودی بسیاری از گروه‌ها و محافل کمونیستی و انقلابی دیگر در این راه گام نهاده و به سازمان پیوستند. سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه نشان داد که راه ما کمونیست‌ها از تمام فرصت‌طلبان و توجیه‌گران نظم موجود و تجدیدنظرطلبانی که به مارکسیسم- لنینیسم پشت کرده‌اند جدا است. سازمان ما با استواری و از خودگذشتگی کم‌نظیری علیه نظم موجود و برای آزادی و سوسیالیسم مبارزه کرد و جنگید. سازمان ما سیمایی نوین و کارنامه درخشانی از کمونیست‌های ایران به کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم ارائه داد و لکه ننگی را که حزب توده و رهبران خیانت‌کار آن برجای گذاشته بودند پاک کرد. بی‌اعتمادی کارگران به کمونیست‌ها را از اذهان زدود و اعتبار خدشه‌دار شده سوسیالیسم و کمونیسم را بازگرداند. به‌رغم تلاش مذبوحانه رژیم شاه و ساواک آن برای جلوگیری از انتشار اخبار مربوط به مبارزات سازمان اما زمان زیادی نکشید که آوازه چریک فدایی در همه‌جا پیچید. هزاران نفر به صفوف سازمان پیوسته یا به جانب‌داری از آن روی آوردند. به‌رغم وحشی‌گری‌ها و سرکوب بی‌رحمانه رژیم شاه و ساواک آن و کشتار صدها تن از رفقای ما، اما با پیوستن گروه‌گروه از انقلابیون کمونیست به صفوف سازمان پرچم مبارزه برای اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و کارگری همچنان در اهتزاز ماند و نفوذ و اعتبار سیاسی سازمان مدام افزایش یافت. دانشگاه‌ها یکسره به تسخیر فدایی درآمد و اکثر قریب به اتفاق دانشجویان سیاسی چپ و انقلابی به جانب‌داری از سازمان برخاستند. جنبش دانشجویی مستقیم و بی‌واسطه به جانب‌داری از فدایی برخاست. نفوذ معنوی سازمان در میان کارگران پیوسته فزونی گرفت. آگاه‌ترین و پیشروترین کارگران

اهداف و آرمان‌های کمونیستی و کارگری خود را در سازمان یافتند و در صفوف آن مبارزه کردند. قیام بهمن ۵۷ و روی‌آوری گسترده کارگران به صفوف سازمان، اعتبار و نفوذ سازمان در میان کارگران و مراکز کارگری را نشان داد.

سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه، بر زمینه شرایط عینی و برخاسته از شرایط سیاسی مشخصی بود که جامعه و ضرورت‌های یک مبارزه جدی و اصولی آن را در دستور کار و مبارزه کمونیست‌ها گذاشت. سیاهکل یگانه پاسخ درست و اصولی به نیازهای مبارزاتی آن دوره بود که از بطن جامعه برخاست، تمام جامعه را تحت تأثیر خود قرارداد و به یک رویداد سیاسی مهم و تاریخی بدل شد. در تاریخ مبارزات توده مردم، حماسه سیاهکل به نقطه عطف مهمی تبدیل گشت، در قلب کارگران و زحمتکشان جا گرفت، ملکه اذهان و ماندگار شد.

تأکید بر نقش بی‌همتای سیاهکل و مبارزات آشتی‌ناپذیر سازمان، به معنای نادیده گرفتن ضعف و کمبودها و اشتباهات نظری یا عملی سازمان نیست. بدیهی است که هر تشکیلات و سازمانی که مبارزه می‌کند اشتباه هم می‌کند. در دوره قبل از قیام، سازمان بارها نظرات و اقدامات عملی خود را به نقد کشید. بعد از قیام ۵۷ نیز سازمان فدائیان (اقلیت) که خود را پاسدار سنت‌های انقلابی و کمونیستی سازمان، رفقای سیاهکل و بنیان‌گذار سازمان می‌داند، از موضعی انقلابی و مارکسیستی باهدف پالایش و ارتقاء سازمان، اشکالات و انحرافات نظری و عملی سازمان را به نقد کشیده است. پدیدار شدن "اکثریت" در درون سازمان ثمره یک انحراف بود. درست در شرایطی که سازمان به یک جریان قدرتمند با پایگاه بسیار وسیع توده‌ای تبدیل شده بود، اما شوربختانه به دلیل سر برآوردن "اکثریت" از درون سازمان نتوانست به وظایف خود عمل کند. ریشه نظری پیدایش این پدیده به یک انحراف و گرایش عموم خلقی در مواضع گذشته سازمان برمی‌گشت. این گرایش بعد از ضربات هولناکی که ساواک در سال ۵۴ و ۵۵ بر سازمان وارد آورد و برجسته‌ترین اعضا و کادرهای سازمان در رأس آن رهبر برجسته سازمان رفیق حمید اشرف جان باختند، زمینه رشد پیدا کرد. پس از قیام از یکسو مواضع و خط‌مشی گذشته سازمان پاسخگوی شرایط جدید نبود، از سوی دیگر اوضاع سیاسی جدید وظایف و تاکتیک‌های جدیدی را طلب می‌کرد که هنوز وجود نداشت. سازمان از لحاظ نظری بی‌حفاظ شده بود و گرایش عموم خلقی بر بستر این شرایط سریعاً رشد کرد و به یک جریان اپورتونیست- رویزیونیست و دنبالچه حزب رسوای توده و ارتجاع حاکم تبدیل شد. جناح انقلابی سازمان، جناح اقلیت که خواهان تدوین فوری برنامه و مجموعه‌ای از تاکتیک‌های منسجم کارگری بود و بر ماهیت طبقاتی بورژوازی و خصلت مذهبی رژیم جمهوری اسلامی تأکید داشت، پس از انشعاب نیز در برابر ارتجاع جمهوری اسلامی محکم و استوار ایستاد و به مبارزه آشتی‌ناپذیر علیه این رژیم ادامه داد. جمهوری اسلامی هزاران تن از رفقای ما را به زندان افکند و نزدیک به ۷۰۰ تن از رفقای ما را به قتل رساند. علی‌رغم این کشتار وحشیانه و ددمنشی رژیم جمهوری اسلامی، سازمان فدائیان (اقلیت) به پیکار آشتی‌ناپذیر خود در راه آرمان‌های سوسیالیستی و کارگری ادامه داده و تا براندازی تمام نظم موجود و استقرار حکومت شورایی و سوسیالیسم به مبارزه ادامه خواهد داد.

در پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل، یک‌بار دیگر یاد حماسه‌سازان سیاهکل، رفقای بنیان‌گذار سازمان و همه رفقای را که در دو نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی در راه آرمان‌های سرخ سوسیالیستی و کارگری جان فشانده‌اند گرامی می‌داریم.

گرامی باد ۱۹ بهمن سال گرد نبرد حماسی سیاهکل

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

بهمن ۱۴۰۰

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی